

مطلب وارده

افسانه‌ای به نام اردوی جهادی

روایت یک خبرنگار از مصاف بارمگ در ارتفاعات ۲هزارمتری

● (الف) حرکت: ۲۷ اسفندماه از پاتوق جهادی حرکتمان آغاز شد… (بچه‌های جهادی به ساختمانی که متعلق به گروهشان بود «پاتوق» می‌گفتند) یک دستگاه اتوبوس که تقریباً همگی زوج‌های جوان بودند آخرین آنها دوهفته‌ای از صیغه محرمیتشان می‌گذشت و اولینشان نیز دوسالی از زندگی مشترکشان.

دودستگاه توپوتا بود که ۱۰نفری هم در کابین‌هایشان جای گرفته بودند…

به سه‌راه افسریه که رسیدیم سه‌توپوتای دیگر هم اضافه شد که پلاک آنها حکایت از نشان وزارت دفاع داشت و اولین‌باری بود که خودروی این وزارتخانه را در اردوی جهادی می‌دیدم. وقتی سوال کردم، گفتند: برای نخستین‌بار در یک وزارتخانه به همت همکاران بسیجی‌اش یک گروه جهادی شکل گرفته و بسیجیان حوزه مقاومت حضرت رسول سازمان صنایع دفاعی نام گروهشان را مزین به نام «نورعلی شوشتری» کرده بودند…

(ب) **اعزام به دوکوهه**: ساعت ۴:۴۵صبح رسیدیم دوکوهه و خادم گروه اعلام کرد ساعت ۵:۳۰: همگی آماده حرکت از مقابل حسینیه حاج‌همت باشند. واقعاً ۲۵دقیقه خواب هم نوبری بود که فقط آن‌لحظه می‌شد قدش را دانست… راس ساعت، شلوارهای خاکی و پیراهن‌های بسیج سازندگی میان برادران توزیع شد و لحظه‌ای طول نکشید که برادران خاکی‌پوش اجتماع کرده و فرمان نظامی داده شد، البته بسیار متفاوت… وقتی فرمان از جلو از راست نظام گشته شد همگی پاسخ دادند «جهادی» و وقتی گشته شد: به احترام اهالی روستاها، به احترام همه گروه‌های جهادی خبردار: همه گفتند «هاللی» و سپس فرمان «بدو رو» داده شد و رجزهای دفاع‌مقدسی فریاد زده شده «اگر تیر مسلسل‌ها شکافت سینه ما را… نخواهیم دست بیعت را جدا سازیم ز روح‌الله» و خاطرات دوکوهه از ذهنم عبور می‌کرد و رجزهای صبحگاهی رزمندگان کمیل و

حظله و حبیب و میثم و صوت دلنشین نورایی و سخنان حاج‌همت و حاج‌احمد متوسلیمان و شوخی‌های دستواره…

گویي یک‌بار دیگر دوکوهه پس از گذشت ۲۶سال شاهد اعزام گروهانی از رزمندگان است به عملیات، اما این‌بار سلاح رزمندگان، قلم و کاغذ و بیل و کلنگشان است و خواهران نیز اصلی‌ترین رزمندگان گردانند که تا خط‌مقدم، بلکه جلوتر از خاکنرز برادران مشغول جهاندند؛ عملیاتی به نام «سازندگی» در مقابل دشمنی به نام «فقر و تبعیض».

(ج) **پایتخت مقاومت ایران**:قدم‌ها به دزفول رسید پایتخت مقاومت ایران و کاروان جهادی در مقر سپاه متوقف شد تا اعزامش را در تاریخ جهاد دزفول ثبت کند. همه آمده بودند از فرمانده سپاه سرافراز دزفول که با همکارانش میزبان مراسم بودند تا امام جمعه و برخی از مسوولان… از حق که نگذریم مسوول صداوسیما ی دزفول از همان دوکوهه با گروه خبری‌اش به استقبال جهادگران آمد. جهادی‌ها یک‌به‌یک صف شدند و پیشانی‌بندهای یازهر(اس) را بسته و چپیه‌ها را دور کردن اویختند، از زیر قرآن که عبور کردند خودروها یکی پس از دیگری جلو آمده و ۴اتوبوتای سپاه و یک خودرو هم از فرمانداری به خط شدند. همه خودروها با تصاویر اسام و آقا و پرچم یازهر(اس) و جمهوری‌اسلامی ترین شده بود و وقتی حرکت با صدای مارش و زمزمه حاج‌صادق که می‌خواند «ای لشکر صاحب‌الزمان…» آغاز شد، تمام دزفول را متوجه خویش کرد. آری دوباره دزفول عطر جهاد و بهجرت به خود گرفته بود و گوینده از پشت بلندگوها اعلام می‌کرد: «توجه توجه. هم اینک گروه جهادی منتظران خورشید به مناطق محروم فداله عمران دزفول برای سازندگی و خدمت‌رسانی اعزام می‌گردند…»

(د) **راه‌های پرسنل‌کاخ قله‌ها**: واقعیتش هرچه ابتدای سفر خوش گذشت و حال و هوای سفر هم جانم را تازه کرد، طی‌کردن ۹ ساعت راه که چه عرض کنم بی‌راهه‌هایی به نام راه، تمام جان و جسمم را خسته کرد. ۱۵دستگاه خودرو که یکی پس از دیگری پیچ‌های با درجات مختلف را از ۳۰+، ۴۰+درجه تا ۴۰+درجه دور می‌زدند؛ با سختی تمام به قله‌هایی تا ارتفاع۲۱۰۵متر از سطح دریا رسیده و سپس تا عمق دره پایین می‌آمدند اما از آنچه خبری نبود خانه بود و روستا… تا قله‌ها را به امید رسیدن به روستا پایین می‌آمدیم دوباره کوهی به ارتفاع آسمان مقابلمان خودنمایی می‌کرد… آنگذر مسیر، پرسنل‌کاخ بود که شهادین ذکر مدام لب‌هایمان بود و نتیجه ن این خرابی و توقف خودروها یکی پس از دیگری بود تا اینکه سه خودرو در کار افتاد و سرنشینان آنها هم سرنشین رکاب و پشت وانت توپوتاه شدند و نهایتاً در اوج شگفتی به سلامت (!) به منطقه فداله عمران رسیدیم.

(ه) **شروع باران و تگرگ و سیل**: وارد روستاها شدیم گویا هیچ سکنه‌ای نبود… کمی غیر طبیعی بود این خلوت، به‌ویژه آنکه گفته بودند اهالی این دیار، عشایر هستند و گفتمیش شاید به‌جای اردیبهشت، تصمیم گرفته‌اند اواخر اسفند، کوچ کنند… نزدیک امامزاده شیدیم که محل استقرار گروه بود. باورش برآمان سخت بود.

قلمی فرسوده از اسماعیل احمدی

ادامه دارد

آخرین ساعات پنجشنبه ۱۳فروردین‌ماه رسانه‌های جهان سرخط اخبار خود را به بیانیه هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ در لوزان سوئیس و توافق دوطرف اختصاص دادند. روز بعد حسن روحانی که حل مساله هسته‌ای را یکی از برنامه‌های دولت خود اعلام و سرمایه‌گذاری زیادی روی آن کرده بود، مقابل دوربین حاضر شد و درباره آن صحبت کرد. آنچه رئیس‌جمهوری در کلام به مردم گفت کاملاً واضح و روشن بود اما پیام‌های غیرکلامی در سخنان روحانی وجود داشت که قابل‌تامل است.

رئیس‌جمهوری زمانی که درباره عمل به وعده‌های انتخاباتی‌اش، تعامل سازنده با کشورهای جهان و غنی‌سازی در خاک ایران صحبت می‌کرد– که نزدیک به شش‌دقیقه ابتدایی صحبتش را شامل می‌شد– حس خوشحالی را که از حس‌های پایه بشری است در چهره‌اش به‌صورت کامل نشان می‌داد. در تمام این دقایق عضلات گونه‌ها، دور چشم و لب‌های روحانی رو به بیرون باز شده و حالت لیخند و رضایت را به خود گرفته بود. تن صدای او کاملاً بدون خش بود و کلمات با طمأنینه همیشگی که مخصوص حسن روحانی است ادا می‌شد و سر کاملاً بالا گرفته شده بود. در ادامه سخنرانی زمانی که روحانی در مورد عملکرد جامعه جهانی صحبت می‌کرد، با اشاره به اینکه تحریم‌ها نتوانسته تاثیری بگذارد از حس خشم نسبت به این عمل استفاده کرد. در این دقایق ابروها به سمت بالا و گاه درهم‌کشیده، لب‌ها به سمت داخل رفته و نگاه کاملاً خیره بود. این حالت زمانی

که روحانی به منتقدان داخلی و خارجی این توافق نیز پاسخ می‌داد کاملاً مشاهده می‌شد. در این هنگام مکث‌ها طولانی و صدای نفس از پشت میکروفن شنیده می‌شد، کلمات با سرعت بیشتری ادا شده و تکانه‌های بدنی به سمت چپ و راست شدت گرفت و ابروها و لب‌ها به داخل کشیده شد. این حس در روحانی طی سخنرانی‌ای که انجام می‌داد، فقط دوبار تکرار شد و زمانی که در بخش بعدی گفته‌هایش مردم را خطا قرار داد و درخواست کرد فعالان اقتصادی یا به میدان بگذارند، یک‌بار دیگر رویه تغییر کرد. در



رنگ‌ها و اشاره‌ها

مرجان لقابی

این بخش طمأنینه مخصوص روحانی در ادا ی کلمات بدون اینکه صدای نفس‌هایش شنیده شود دوباره بازگشت، عضلات صورت و دهان نشانه‌های رضایت و خواهش را به خود گرفت و سر به سمت روبه‌رو قرار گرفت و نگاه به دوربین خیره شد، عضلات لب باز شد و حالت رضایت همراه با صمیمیت را نشان داد.

رفتاری که روحانی در سخنرانی ۲۰دقیقه‌ای از خودش نشان داد، رفتار مبارزه‌جویی بود که طعم پیروزی را چشیده است. او با نگاه خیره، صورتی همراه با رضایت، سر روبه‌بالا و بدنی ثابت و بدون

چرخش‌های اضافه رفتار مبارزه‌جویانه‌ای داشت که از پیروزی‌اش صحبت می‌کرد. رفتار مبارزه‌جویانه و حس‌های خوشحالی و گاهی خشم که در صورت و حرکت‌های روحانی نمود می‌یافت، در ترکیب‌بندی رنگ لباس‌های او نیز کاملاً مشخص بود. در زبان بدن، استفاده از رنگ سفید – رنگی که روحانی برای پیراهنش انتخاب کرده بود – نماد صلح و آشتی است، «آبی- سرمه‌ای» – که برای قبا انتخاب کرده بود – رنگ اقتدار است؛ رنگی که فن‌سالاران و عالیرتبانان استفاده می‌کنند و دست‌آخر، رنگ سیاه که برای عبایش انتخاب کرده بود برای بیان وقار و غرور و کسی که بازگردان است استفاده می‌شود. این تعبیر از سوی دکتر سارا امیراجمند، طراح بین‌المللی لباس در مصاحبه با نشریه «نقش‌نو» نیز استفاده شده و وی درباره رنگ لباس‌های کاترین اشتون، نماینده عالی اتحادیه اروپا در سیاست خارجی نیز این‌مساله را مطرح کرده است.

سیاه در ترکیب رنگ‌ها نشان‌دهنده فردی مبارزه‌جوست که بیان می‌کند بازیگردان و تعیین‌کننده بلامنازع سیاست‌هاست. سیاه می‌گوید تسخیر فضا و معماری جدید فضا با من است؛ در صورت تخطی، به‌هم‌زننده این بازی من هستم.

بنابراین آنچه حسن روحانی در زبان بدن خود، در حرکات صورت و بدن و ترکیب‌بندی رنگ لباس‌هایش به مخاطب القا می‌کند، این بود: پیروزی را چشیده است. او با نگاه خیره، صورتی فن‌سالار که طالب صلح است، ما هستیم.

ادامه از صفحه ۶

ما هیچ‌گاه بیکار ننشستیم

اما شما زمانی تجربه ترکیه را پیش می‌آوردید و مثال می‌زدید که چطور حزب عدالت و توسعه اول توانست در بستر اجتماعی پا بگیرد و بعد به قدرت برسد. فرق آنها با ما این است که ابتدا در قدرت نبوده‌اند و بعد به درون جامعه رانده شوند. شما باید تجربه ما را با تجربه مصر مقایسه کنید که مثلاً اخوان‌المسلمین قبل از اینکه قدرت را بگیرد یکسری نهادهای اجتماعی داشت و آن نهادها موجب شد که در اولین انتخابات بعد از مبارک اکثریت را به دست بگیرد؛ حالا کار نداریم که چرا برکنار شدند. اصلاح‌طلبان مجموعه‌ای هستند که در درون حاکمیت بودند، حالا به هر دلیل بیرون رفته‌اند و کسانی که در درون هستند به‌شدت نسبت به فعالیت آنها حساس هستند. این بحثی است که ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تاریخی و فرهنگی دارد. اگر پتانسیل درونی و ظرفیت اجتماعی وجود داشته باشد حتماً کاری را که گفتید باید انجام بدیم. یعنی در عرصه جامعه فعالیت‌های گسترده‌تری بکنیم، فرصت‌های بیشتری به دست بیآوریم، توانمندی‌های بیشتری کسب کنیم تا اگر بعداً قدرت سیاسی به دست آوریم، بتوانیم آن را نگه داریم. اما در چند سال گذشته فضای خاصی حاکم شد. ما در چنین شرایطی توانستیم در انتخابات ریاست‌جمهوری گذشته از فرصتی که برآیمان به وجود آمدحاکم بهره را ببریم و نتیجه خوب بگیریم. فرآیندی که در انتخابات ریاست‌جمهوری گذشته به وجود آمد چندبعدی است. مقداری از آن مربوط به گاف‌هایی است که طرف مقابل داد، مقداری مربوط به برنامه‌ریزی و کمی هم مربوط به آمادگی نیروهای سیاسی بود و البته مقداری از آن هم مربوط به این است که رهبران سیاسی اصلاحات درست عمل کردند. الان ما نمی‌توانیم برای انتخابات آینده مجلس سازماندهی گسترده بکنیم.

تعریف رهاکردن کار سیاسی و انجام فعالیت اجتماعی از سوی فعالان سیاسی بود که پس از توفیق حزب عدالت و توسعه مد شده بود. یک تعریف پیگیری مطالبات سیاسی از درون نهادهای مدنی همچون نهادهای صنفی و غیره است. یک تعریف پیگیری سیاست در هسته‌های کوچک‌تر مدنی است. دیگری می‌گوید جامعه‌محوری در سیاست یعنی ارتباط

سیاسیون با جامعه از طریق اقشار مرجع دیگر همچون فرهنگیان و هنرمندان و روشنفکران. من از پرسش شما فهم اول از جامعه‌محوری در سیاست را برداشت می‌کنم که اتفاقاً کم‌رمق‌تر از تعاریف دیگر است. این یک سوءتفاهم از بحث جامعه‌محوری است که فکر کنیم سیاسیون باید سیاست را رها کرده و کار اجتماعی کنند، اینها دو کار است که می‌تواند به موازات هم انجام شود و لازم نیست برای انجام یکی، دیگری متوقف شود. من کنشگر سیاسی هستم ولی مانعی برای کسی که بخواهد در عرصه جامعه فعالیت مدنی کند نبوده و نیست. از نظر من هرگز فضای سیاسی به اندازه‌ای بسته نشد که من نتوانم هیچ کاری کنم. ما هیچ‌گاه بیکار ننشستیم و به مقتضای شرایط به کنش سیاسی خود ادامه دادیم. البته از اهمیت کار در حوزه اجتماعی هم غافل نبوده‌ایم.



اصلاح‌طلبان مجموعه‌ای هستند که در درون حاکمیت بودند، حالا به هر دلیل بیرون رانده شدند و کسانی که درون حاکمیت هستند به‌شدت نسبت به فعالیت آنها حساس هستند. این بحثی است که ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تاریخی و فرهنگی دارد. اگر پتانسیل درونی و ظرفیت اجتماعی وجود داشته باشد حتماً کاری را که گفتید باید انجام بدیم

بسترهایی داریم که باید فراهم شوند. بله، اگر همه شرایط جامعه محدود شود، که نمی‌شود؛ عده‌ای به فعالیت زیرزمینی روی می‌آورند. اما فعالیت زیرزمینی دامنه خیلی محدودی دارد. وقتی یک انجمن نتواند جلسه برگزار کند؟ حزب نتواند کنگره بگذارد؟ خب این محدودیت‌ها بر سایر فعالیت‌ها سایه می‌اندازد. شما باید اینها را هم ببینی. من

دارم فقط برای شما تشریح می‌کنم مشکلات و معضلاتی را که ما به عنوان کنشگر سیاسی با آنها مواجه بودیم. ضمن اینکه اگر بحث شما سیاسی نیست باید از یک فرد غیرسیاسی سوال کنید. من یک آدم سیاسی هستم.

کجا بحث همین است کجا بحث بین حوزه کار سیاسی و کار غیرسیاسی تفکیک قایل می‌شوید. آیا در شرایطی که کار سیاسی به بن‌بست می‌خورد کنشگر سیاسی نباید دیگر هیچ کاری کند؟ در

بحث سیاست جامعه‌محور گفته می‌شود که از درون جامعه می‌توان مطالبات را هدایت کرد. نیاز نیست که شما لزوماً در قدرت باشید یا ابزار قدرت را در دست داشته باشید تا بتوانید مطالبات مردم را محقق کنید.

اولاً درباره سیاست‌ورزی جامعه‌محور تاکنون تعریف‌های متعددی مطرح شده که باید دقیقاً بگویم کدامیک از آنها مراد شماست. مثلاً یک

بیانیه لوزان؛ توافق حقوقی یا سیاسی بین‌المللی

کشورها، از جمله ایالات‌متحده آمریکا، موید این دیدگاه است. علل گرایش دولت‌ها به صدور یا انعقاد توافقات‌های نزاکتی یا سیاسی را می‌توان در چند عامل جست‌وجو کرد؛ از جمله توافق سریع و آسان، اجرای فوری، سهولت در مذاکره، پذیرش و بازنگری متن و مخصوصاً موانعی که قوه مقننه کشورها براساس قانون‌اساسی یا مشکلات سیاسی داخلی به‌ویژه در رابطه با کشور طرف توافق، تمایلی به ایجاد تعهد حقوقی بین‌المللی برای خود ندارند، ایجاد می‌کنند و در نتیجه، قوه مجریه را به صدور یا انعقاد چنین توافقات‌هایی سوق می‌دهند. این موافقت‌نامه‌ها همچون معاهدات بین‌المللی برای طرف‌ها متضمن تعهداتی است که اجرای آنها بستگی بسیار زیادی به حسن‌نیت آنها دارد. اصل حسن‌نیت هرچند یک اصل حقوقی است اما حاکم بر تمامی اشکال روابط و همکاری‌های بین‌المللی از جمله توافقات‌های سیاسی است. درهرحال چون تعهد وجود دارد (نه تعهد حقوقی) حسن‌نیت هم وجود دارد. معمولاً توافقات‌های نزاکتی پیش‌درآمد و زمینه‌ساز توافقات‌های حقوقی بعدی است. بیانیه

سیاست

منهای پایتخت

خسارات توفان در قزوین

● **ایرنا؛** مدیرکل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان قزوین گفت: بازسازی واحدهای آسیب‌دیده از توفان هفته گذشته در این استان به ۱۲۴میلیاردو ۷۸۰میلیون ریال اعتبار نیازمند است.
حافظ باباپور روز شنبه در نشست شورای هماهنگی مدیریت بحران استان قزوین که به‌منظور بررسی عملکرد دستگاه‌های امدادی درخصوص توفان و سیلاب هفته گذشته این استان و گزارش خسارات این حادثه برگزار شد، افزود: حوادث غیرمتربقه هفته پیش به یک‌هزارو۶۱۰واحد مسکونی استان قزوین خسارت زد. این مسوول با اشاره به تسهیلات مالی درنظرگرفته‌شده بانک‌ها برای ساخت واحدهای مسکونی حادثه‌دیده، گفت: این تسهیلات به‌صورت وام و کمک‌های بلاعوض ارایه می‌شوند که رقم آنها در مناطق شهری نسبت به روستایی بیشتر است.
سیلاب و توفان کم‌سابقه دوشنبه هفته گذشته در بخش‌هایی از شمال و غرب استان قزوین به‌وقوع پیوست و به برخی از ساختمان‌های مسکونی و اداری، تاسیسات زیربنایی، معابر و خیابان‌ها، راه‌ها و اراضی کشاورزی خسارت وارد کرد.

علت تجمع کارگران پتروشیمی هگمتانه

● **فارس؛**مدیرکل کار، تعاون و رفاه اجتماعی همدان گفت: کارگران معترض پتروشیمی هگمتانه به‌صورت قراردادی فعالیت می‌کردند که قراردادها نیز تا پایان سال۹۳ اعتبار داشت. مسعود اقلامی در پاسخ به سوالی درخصوص چرایی تجمع کارگران پتروشیمی هگمتانه روبه‌روی اداره کار، تعاون و رفاه اجتماعی گفت: شرکت پتروشیمی هگمتانه به‌منظور سرمایه‌گذاری شرکا و دایرشدن دوباره در حال فراهم‌کردن مقدمات کار است و به‌دلیل عدم‌نیاز به نیروی انسانی در سال۹۴ در مقطعی از اعتقاد قرارداد با کارگران خودداری کرده است. وی افزود: با پایان قرارداد از لحاظ قانونی حقی برای کارگران نیست و اختیار با کارفرماست که در صورت نیاز قراردادی دوباره منعقد کند. اقلامی درخصوص پرداخت مطالبات کارگران نیز عنوان کرد: مطالبات کارگران با پیگیری‌های صورت‌گرفته تا پایان سال۹۳ به‌طور کامل پرداخت شده و فقط عیدی و سنوات پرداخت نشده است. وی ادامه داد: با تجمع کارگران اداره کار و تعاون، راهنمایی‌هایی برای تنظیم دادخواست برای دریافت عیدی و سنوات داده شد که کارگران قانع نشدند و تجمع دیگری مقابل استانداری صورت گرفت. مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی همدان خاطرنشان کرد: با تجمع مقابل استانداری، همکاران ما با راهنمایی کارگران برای تنظیم درخواست استان لاره کار و تجمع پایان یافت. اقلامی تأکید کرد: کارفرمای مربوطه در جریان قرار گرفته و با هماهنگی رای صادر خواهد شد و درصورت عدم پرداخت مطالبات از طریق اجرای احکام پیگیری و مطالبات کارگران پرداخت می‌شود.

۱۰۴روستای لرستان آب آشامیدنی ندارند

● **فارس؛** مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب روستایی لرستان گفت: ۱۰۴ روستای فاقد آب آشامیدنی مناسب در لرستان وجود دارد که ۲۷میلیاردتومان برای رفع مشکلات آنها مورد نیاز است.
علیرضا کاکاوند عصر امروز در جلسه شورای اداری استان لرستان اظهار کرد: ۶۷۷هزارنفر از جمعیت استان لرستان را روستاییان تشکیل می‌دهند که این میزان ۴۰درصد از کل جمعیت این استان را تشکیل می‌دهد. وی گفت: یک‌هزارو۵۶۱ روستای بالای ۲۰خانوار در لرستان وجود دارد که در حال حاضر یک‌هزارو۱۵۷ روستا از آب آشامیدنی سالم بهره‌مند و ۱۰۴ روستا نیز با مشکل آب آشامیدنی مواجه هستند که برای رفع مشکلات آنها به ۲۷میلیاردتومان نیاز است. کاکاوند خاطرنشان کرد: اعتبار ما در سال گذشته در مجموع ۶۱میلیاردتومان بود که نسبت به سال۹۲ شاهد رشد پنج‌برابری بودیم و توانستیم ۱۲۹ طرح را تعریف کنیم که بسیاری از آنها به بهره‌برداری رسیده و مابقی نیز تا تیرماه امسال به بهره‌برداری می‌رسند. وی افزود: در بخش فاضلاب روستایی وضعیت خوب و مناسبی نداریم، دلیل آن کمبود اعتبار در سنوات گذشته است. ولی خوشبختانه در سال۹۳ شکستگی شبکه‌های انتقال آب به نصف رسیده است، با وجود خشکسالی‌های موجود در استان در آبرسانی به روستاها وضعیت خوبی داریم و در حال حاضر تنها ۸۵ روستا توسط تانکر آبرسانی می‌شوند. کاکاوند یادآور شد: با پیش‌بینی‌هایی که انجام شده در سال۹۴ احتمالاً ۳۷۷ روستا با مشکل آب مواجه می‌شوند که ۳۰میلیاردتومان اعتبار برای حل مشکل آنها مورد نیاز است. وی وجود انشعاب‌های غیرمجاز از راه از دیگر مشکلات در حوزه آب روستایی برشمرد و گفت: حدود ۲۰هزار انشعاب غیرمجاز آب روستایی را شناسایی کرده‌ایم که با همکاری دستگاه قضایی و نیروی انتظامی ۱۲هزار انشعاب یا به‌صورت مجاز درآمده با قطع شدند.